

خاطرات زندان

آفتابکاران

جلد دوم:

سرود سیاوشان

محمود رؤیایی



آفتابکاران

جلد دوم: قزلحصار

«سرود سیاوشان»



آفتابکاران

جلد دوم: سرود سیاوشان

زندان قزلحصار (آذر ۶۰ تا فروردین ۶۵)

خاطرات زندان

محمود رؤیایی

انتشارات امیرخیز - اشرف

چاپ اول: تابستان ۸۶

بها: معادل ۱۴ دلار

در قرنطینه، چشمبندهایمان را برداشتیم.

از میان چشمها، نگاهی مثل نگینی در انگشتر شب می درخشید. جوانِ قدبلندی که شلوار جین، پیراهن راه‌راه آبی و ژاکتی سُرمه‌یی پوشیده بود توجهم را جلب کرد. به سمتش رفتم، خودم را معرفی کردم. سیامک طوبایی ۱۸ساله، دانش‌آموز و ساکن یوسف آباد تهران بود.

ظرف چند دقیقه اخبار بند و شعبه‌ها را تبادل کردیم. نمی‌دانم چگونه، ولی فکر می‌کنم با یادآوری جمله‌یی از “مسعود” بود که چنان اعتماد و اشتیاقی بین‌مان بوجود آمد که قرار گذاشتیم در هر شرایطی روابطمان را حفظ کنیم. ساعتی بعد در قرنطینه باز شد و غول‌تشنی که حاج داود صدایش می‌کردند، وارد شد.

قد بلند، چاق و چهارشانه، با شلوار سبزِ فرم پاسداری و اورکت بلند اسرائیلی. ضمن راه رفتن، با دست چپ لاله گوشش را می خاراند و دست راستش که از آرنج خم شده بود را جلو سینه اش بالا و پایین می برد. وقتی نزدیک شد بلافاصله شروع کرد:

- این جا رو بهش میگن قزلحصار، تکنون بخورین نفستونو میبرم... این جا هتل اوین نیس. هیچ کس هیچ حقی نداره. هر چی من میگم باید گوش کنین... فعلاً میفرستمتون مجرد ۳ تا یه کم استخوناتون نرم بشه، بعد میام هر کدوم آدم شده بودین...

از جملات بی سروته و لحن غلیظ لومپنی اش، در همان چند دقیقه اول فهمیدیم که گیر چه جانوری افتاده ایم.

همان شب، ساعت ۹، با سروصدای زیاد، چند پاسدار وارد شدند، تعداد کمی را به بند ۳ عمومی که مخصوص افراد غیر سیاسی بود بردند و بقیه را که بیش از ۴۰ نفر بودیم با چشمبند در راهرو اصلی بند حرکت دادند. بعد از چند دقیقه وارد اتاقکی شدیم که نه نوری داشت و نه فضایی برای ایستادن. وقتی آخرین نفر را به زور وارد کردند، در بسته شد. انگار وارد آسانسور بزرگی شده ایم و قرار است به طبقه دیگری برویم. ولی از سوز و سرمای که از پنجره شکسته اتاقک وارد شد فهمیدیم این جا هم قرنطینه کوچکی است و لااقل چند ساعتی باید منتظر باشیم.

بوی تعفن و سوز و سرما بیداد می کرد. چند نفر حالشان به هم خورد ولی جایی حتی برای نشستن وجود نداشت. آن قدر کیپ و فشرده کنار هم ایستاده